

بوروکراسی پدیده‌ای کوچک و بی‌اهمیت یا مسأله‌ای بزرگ و تعیین‌کننده؟

در پاسخ به سعید امیری

نکاتی کلی‌ای که بیان کرده‌اید، به جا و مورد تأیید من است به جز دو نکته آخری که در نتیجه‌گیری آورده‌اید و آن این که ما به چه منظوری این افشاگری‌ها را می‌کنیم و این که چرا خودمان «کاری» انجام نداده‌ایم. در باره‌ی مورد اول، هدف ما از بیرون آمدن کتاب و مطالب دیگر، نه «دشمنی» با مازیار رازی است و نه این که ما از این طریق می‌خواهیم خودمان را «مطرح» کنیم. هدف اساسی از این افشاگری‌ها همان طوری که در کتاب «مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری» آورده‌ایم، مطرح کردن و به بحث گذاشتن پدیده‌ی «بوروکراسی» است. ما پیش از این که بتوانیم در راه مبارزه با شرایط کنونی در جهان سرمایه‌داری (همان طوری که شما اشاره کرده‌اید) با پیشروی کارگری مبارز و انقلابی همراه شویم، لازم است به طور سیستماتیکی به انتقاد از آن چه که تا کنون انجام داده، پرداخته و جوانب مثبت را دنبال و جوانب منفی را به بحث گذاشته و بهتر نماییم. در غیر این صورت، در شرایطی مبارزاتی کنونی خود دست و پا خواهیم زد. در مسیر این هدف، تشویق ما این بوده است که در نظام سرمایه‌داری، فرهنگ اطاعت و قبول روابط رئیس و مرنوسی، سنوال و اعتراض نکردن به

مقام بالاتر خود که سر منشأ سکوت و در نتیجه نقش نداشتن در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود می باشد. در روابط بوروکراتیک حاکم در جامعه ی سرمایه داری به اندازه ای با فرهنگ توده ی مردم و طبقه ی کارگر پیوند خورده که هیچ کس به اهمیت آن توجهی ندارد. در حالی که این روابط بوروکراتیک اولین زنجیرهایی است که فرهنگ جامعه ی سرمایه داری به دست و پای کارگران و زحمتکشان می زند تا از پاسخگو بودن به کارگران و مبارزات آن ها تا حد ممکن برحذر بماند. نقش بوروکراسی از بین بردن روحیه ی مبارز یک انسان سالم در برابر بی عدالتی و عمل غلط مافوق خود است و این کار را با به اطاعت و سکوت درآوردن انسان ها در جامعه انجام می دهد. ما با برقراری دموکراسی کارگری در روابط خود می توانیم با این ابتدایی ترین عامل پیروزی بورژوازی مبارزه کنیم.

ما خواهان تغییر فرهنگ بوروکراتیک هستیم. ما می خواهیم که پیشروی کارگری با توجه به تجربیات ما زنگ خطری را درون تشکیلات انقلابی خود به صدا درآورد که از زمان مرگ تروتسکی به بعد به سکوت کشیده شده است. همان طوری که حتماً می دانید بوروکراسی حاکم بر حزب کمونیست شوروی بعد از لنین منجر به عواقب جبران ناپذیری شد که تا امروز گریبانگیر طبقه ی کارگری جهانی بوده است. این بوروکراسی یک شبه و درست روز بعد از مرگ لنین ظاهر نگردید، بلکه پدیده ای بود که سوسیال دموکرات های فعال در حزب کمونیست شوروی با خود به حزب آورده بودند و بارها لنین و تروتسکی در رابطه با آن اعتراض کرده و خطر آن را گوشزد کرده بودند.

ما با توجه به چنین تجربه بزرگ تاریخی، باید به پدیده ی بوروکراسی با دید انتقادی سازنده نگرینسته و خصلت های بوروکراتیک موجود در رهبری

سازمان های چپی موجود را در حد توانمان باز کرده و افشاء نماییم. من مطمئنم که تجربیات ما درون گرایش مازیار رازی خاص ما نبوده و نمونه های زیادی از صدماتی که روابط بوروکراتیک رهبری به اعضای سازمان های چپ وارد نموده، (و این اعضاء یا با سکوت شرایط را پذیرفته و به کار خود ادامه می دهند و یا اگر از تشکیلات خود بیرون آمده اند، باز هم با سکوت یا کار سیاسی کنار گذاشته اند و یا اگر مستقل عمل می کنند باز هم خواهان افشای رهبری تشکیلات سابق خود نیستند)، کم نیستند. به عقیده ی ما این سکوت به علت این که جلوی این روابط رئیس و مرنوسی را نگرفته و اینگونه رهبری ها به روش خود همچنان ادامه می دهند، کار اشتباهی است و نتیجه ی آن نفوذ هر چه بیش تر عناصر اکثریتی و توده ای و استالینیستی درون تشکیلات کمونیستی انقلابی است که منجر به انحراف کشیده شدن مبارزات پیشروی کارگری در حداقل خود و لو رفتن و از بین رفتن پیشروی کارگری انقلابی در نهایت آن است.

حفظ روابط بوروکراتیک در تشکیلاتی که خود را در ارتباط با پیشروی کارگری دانسته و شعارش انقلاب سوسیالیستی است، اولین زنگ خطر منحرف بودن یک جریان است. یک تشکیلات انقلابی کارگری به هیچوجه به اهداف انقلابی ای که مدعی آن است نخواهد رسید، اگر درون آن روابط کل اعضا بر مبنای سانترالیزم دموکراتیک نباشد؛ به این معنای ساده که در بحث ها همه ی اعضا با هم برابر و در یک سطح قرار داشته و حق ابراز عقیده و نظر دارند و از یکدیگر می توانند به طور مساوی و بر اساس نیاز انتقاد رفیقانه بکنند و در هنگام عمل همه به مرکزیت یا رهبری تعیین شده از جانب همه ی اعضا برای انجام یک عمل خاص احترام می گذارند و در غیر این

صورت کسی یا کسانی در بالای این جریان ننشسته و همه چیز را بر دیگری دیکته نمی‌کند.

یکی از خطرات بزرگی که امروز پیشروی کارگری را تهدید می‌کند، نفوذ اکثریتی‌ها، توده‌ای‌ها و استالینیست‌های شکست خورده و مغرض جاسوس رژیم به درون تشکیلات پیشروی کارگری انقلابی است. ما سعی داریم نشان دهیم که در تشکیلات پیشروی کارگری انقلابی اگر از همان ابتدا از روابط بوروکراتیک جلوگیری شود، عناصر نفوذی اینگونه به آسانی قابل شناسایی بوده و از حضورشان می‌توان جلوگیری کرد. در غیر این صورت، این عناصر یک تشکیلات انقلابی را از درون متلاشی خواهند کرد.

اما در مورد این که ما در این مدت چه کار کرده یا نکرده ایم، هیچ ربطی به بحثی که ما می‌خواهیم از تجربیات خود به درون طبقه‌ی کارگر ببریم ندارد. ما اگر بتوانیم در هر زمان در آینده پدیده‌ی بوروکراسی را آن طوری که هست و ما روزانه لمس‌اش می‌کنیم ولی از وجود و تأثیرش بر مبارزات انقلابی بی‌خبریم، به میان پیشروی کارگری ببریم در نفس خود، یکی از بزرگ‌ترین وظایف خود را در برابر طبقه‌ی کارگر ایران و جهان ادا کرده ایم.

اما در باره‌ی این که ما «چه کار» کرده ایم، باید بگویم که یک مبارز انقلابی هرگز در شرایط کنونی سیاسی حاکم بر ایران و جهان چنین سنوالی را از کسی نمی‌کند، زیرا که کارهای «عملی» از گونه‌های مختلف برنامه تلویزیونی، سخنرانی، راهپیمایی، پیکت گذاشتن، تظاهرات و... در این مقطع از مبارزات انقلابی در ایران و جهان، دیگر «فعالیت» بشمار نمی‌آید. زیرا تجربه نشان داده که با این گونه فعالیت‌ها بورژوازی به هیچوجه قدمی به عقب بر نمی‌دارد، بلکه با شناسایی افراد، دست به تهاجم علیه آن‌ها زده و

اقدام به نابودی آنان می‌کند. به این دلیل است که پیشروی کارگری باید با هشیاری در مبارزه با بوروکراسی اقدام کرده تا پرده از روی عوامل نفوذی بردارد. به عقیده ما، ما اگر معتقد هستیم که باید فعالیت داشته باشیم، در شرایط کنونی و در این مقطع تنها با حفظ اصول مخفی کاری کامل، امکان نتیجه دادن دارد. لذا مهم نیست که افرادی مانند شما یا اعضای گرایش مازیار رازی به جای پرداختن به اصل موضوع چند بار این سوال را تکرار کنند، جواب را شما و دیگران در موعد مناسب خود خواهید دید؛ زمانی که ضرورت ایجاب بکند که این موضوع علنی باشد.

اعضای گرایش مازیار رازی هر اندازه خود را در درد این بی اطلاعی فرو برده و از شدت سوزش دست به توهین و فحاشی بزنند، تنها ماهیت ضدانقلابی بوروکراتیک خود را بیش تر و بیش تر افشاء می‌کنند. این فرهنگ انسان‌های بوروکرات است که همه چیز را از ذره بین تنگ خود ببینند و برای هر کاری تنها راه خود را درست و ممکن بدانند و حق عملی متفاوت و روشی دگرگون را به کسی ندهند و برای مرعوب کردن او از هیچگونه سرکوب شخصیت فردی، اجتماعی و سیاسی او کوتاه نیایند. این دقیقاً روش استالینیستی بعد از روی کار آمدن استالین در حزب کمونیست شوروی بود.

ما اما، همان طوری که در کتاب هم آورده ایم، چون هدفی مهم تر از منافع شخصی خود را دنبال می‌کنیم، تحت تأثیر این اعمال زشت و رفتار لمپنیستی قرار نمی‌گیریم و کسانی که مبارزه با بوروکراسی را جزو مسائل شخصی و یا «قرقره کردن» می‌پندارند، مطمئناً خودشان از مبارزه با بوروکراسی ضربه ای کاری می‌خورند و سعی در کوچک کردن این مبارزه بر می‌آیند تا توجه دیگران را از آن دور نمایند.

ایدئولوژی حاکم در جامعه ایدئولوژی طبقه ی حاکم است و دروغ، تهمت، افترا، باندبازی و... از مریضی های جوامع سرمایه داری می باشد که باید از آن ها دوری جست و تشکیلات سالم بوجود آورد. به قول تروتسکی صداقت انقلابی یعنی در مسائل کوچک هم مثل مسائل بزرگ باید صداقت داشته باشیم. فقط چنین کسانی می توانند اقدام به ساختن حزب و تدوین برنامه بکنند و در وهله ی دوم حزبی با ساختارهای انقلابی واقعی تشکیل دهند. برای این منظور، قبل از هر چیز رهبری چنین جریانی باید از لحاظ طبقاتی کارگری و انقلابی باشد (یعنی اگر ۱۰ نفر در رهبری چنین جریانی باشد حتماً باید هفت یا هشت نفرشان کارگر شاغل باشند) و از لحاظ طبقاتی مثل گرایش مازیار رازی از دو روشنفکر و یک اکثریتی تشکیل نشده باشد. (تا بهترین برنامه ها را در عمل به گند نکشیده و با بورژوازی از در سازش در نیایند). بالاخره برای سازماندهی انقلاب کارگری -سوسیالیستی باید مسلط به برنامه ی انقلابی عملی نیز بود. در نتیجه یک تشکیلات انقلابی کارگری که می رود تا انقلاب سوسیالیستی را سازماندهی کند، باید شامل این سه بُعد باشد: حزب، برنامه و اعتقاد به مبارزه با بوروکراسی با رعایت دموکراسی کارگری کامل درون حزب.

اهمیت ندادن به شق سوم، یعنی مبارزه با بوروکراسی باعث می شود که بهترین حزب با بهترین برنامه توسط عناصر بوروکرات درون اش از درون متلاشی گردد، زیرا که این عناصر بوروکرات برای منافع شخصی و کیش شخصیت خود، حاضرند تا با فروختن خود به بورژوازی منافع طبقه ی کارگر و زحمات پیشروی کارگری را زیرپا گذارند. کنترل بوروکراسی درون تشکیلات کارگری انقلابی از همان ابتدا می تواند و قادر است با توجه به طرز

عملکرد این عناصر بوروکرات آنان را شناسایی نموده و از تشکیلات خود بیرون راند زیرا که با مطرح کردن بحث پدیده ی بوروکراسی عناصر بوروکرات به سرعت ماهیت واقعی خود را ظاهر خواهند ساخت و برای مدت طولانی توان پنهان شدن در پس پرده ی ریاکاری را نخواهند داشت. این آگاهی است که پیشروی کارگری باید با خود به درون هرگونه تشکیلات اش برده و از توجه به آن کوتاهی نکند.

به نظر ما از زمان انقلاب اکتبر تا به امروز احزاب انقلابی با برنامه ی انقلابی به وجود آمده اند، ولی دقیقاً به دلیل اهمیت ندادن به مبارزه با بوروکراسی تمام احزاب انقلابی با برنامه ی انقلابی همگی به راست زدند. به این دلیل ساده که یک بوروکرات از منافع خود حرکت می کند نه از منافع طبقه ی کارگر و در نهایت هم به عنوان یک رفورمیست، با نیروهای امنیتی ساخت و پاخت می کند. یک رفورمیست و یک بورژوا نهایتاً علیه منافع طبقه ی کارگر با هم، همدست می شوند، زیرا که منافعشان یکی است و متضاد با منافع طبقه ی کارگر. در نهایت بدون مبارزه با بوروکراسی بهترین احزاب با بهترین برنامه ها مثل آب در هاونگ کوبیدن است. انسان ها را بعد از ۱۰ - ۲۰ - ۳۰ سال تلاش مایوس و از مبارزه ی سیاسی بدور نگه می دارد و این بحران، دقیقاً به بحران رهبری این جریانات برمی گردد. اینگونه رهبری ها در عمل از سانترالیزم بوروکراتیک بهره گرفته، اما در حرف و تنوری مدعی قبول سانترالیزم دموکراتیک هستند. هیچ بوروکراتی سانترالیزم دموکراتیک را رد نکرده و مدعی می شود که در عمل هم به کار می گیرد. اما در نهایت دم خروس بیرون می زند. هشیاری پیشروی کارگری این دم خروس

بوروکراسی پدیده ای کوچک و بی اهمیت یا مسأله ای بزرگ و تعیین کننده؟

را سریع تر می بیند و در حفظ اهداف انقلابی خود از موضع قدرت بهتر می تواند مبارزه نماید.

مسأله ی بوروکراسی همیشه برای بوروکرات ها و خائنین به طبقه ی کارگر مسأله ای کوچک و بی اهمیت است، در حالی که برای پیشبرد اهداف انقلابی پیشروی کارگری و کمونیست ها امری اساسی و تعیین کننده می باشد.

یاشار آذری